

ازدواج شرم آور

امیرفیض- حقوقدان

خبرگزاریها ازدواج یک عرب مسلمان ۹۰ ساله با دختری ۱۵ ساله در عربستان سعودی خبر دادند، و همچنین خبر حکایت از واکنشهای خشم آلود وحیرت انگیز جهانیان را داشت.

خبر مزبور بیش از اینکه ماهیت آن شگفت انگیز باشد از این جهت، موضوعی که حکم دینی بر آن مترتب است چگونه میتواند جای حیرت و خشم و تعجب را بگشاید و باتوجه به ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آیا انجام یک امر دینی میتواند در مقام استیضاح قرار گیرد؟

در سال ۱۳۶۵ روزنامه های انگلیس از ازدواج یک دختر ۱۲ ساله ایران بایک پسر ۲۷ ساله ایرانی در لندن خبر دادند که موضوع به جراند انگلستان از جمله سان و پارلمان انگلستان کشیده شد و در پارلمان انگلستان ازدواج مزبور شرم آور نامیده شد. **Shameful Marriage**.

در همان تاریخ نقدی در رابطه با خبر مزبور در سنگرمورخ سوم فروردین ماه سال ۱۳۶۵ بشماره ۲۸۵ تحت عنوان ازدواج شرم آور گذاشته شد که بعداً مقاله مزبور به انگلیسی ترجمه و بصورت رساله ای توزیع شد.

از آنجا که جریان اخیر یعنی ازدواج یک عرب ۹۰ ساله بایک دختر ۱۵ ساله از نظر ماهیت حقوقی اعم از حقوق اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر یکسان و فقط بازیکنان آن متفاوت است و مسائل اجتماعی و حقوقی هم عامیت دارد لذا بنظر رسید که در تنظیم این تحریر به جریان ازدواج شرم آور لندن هم اشاره ای شده باشد.



تردید نیست که جوامع بشری چنین ازدواج جهانی را شرم آور میدانند و حتی نام ازدواج را هم برآورده آن نمیدانند و بهمین دلیل است که در قرارداد چهارم ماه می ۱۹۱۰ و نیز عهدنامه بین المللی هفتم سپتامبر سال ۱۹۵۶ این چنین ازدواج ها را نوعی بردگی و خرید و فروش انسان دانسته و مرتکبین آنرا قابل مجازات شناخته است.



علیرغم این حساسیت بشری به ازدواج کم سن، معهذاً جهان، سخت گرفتار این نحوست و کودک آزاری است بطوریکه آمارها نشان میدهد ۵۱ میلیون دختر زیر سن قانونی، در جهان، در معرض ازدواج های اجباری و غیرقانونی قرار دارند - از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۹ تعداد ۳۷۶۸ دختر زیر ۱۵ سال در ایران (جمهوری اسلامی) بامردانی ازدواج کرده اند که نزدیک ۴۵ سال داشته اند (سایت سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی).

در سال ۱۳۸۹ تعداد ۳۷۰۰۰ کودک از ۱۰ تا ۱۸ ساله ساله طلاق گرفته اند و یابویه شده اند و در هر سال حداقل ۸۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۱۰۰۰ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله در ایران طلاق گرفته اند جامعه شناسان ایران این

تزايد فوق العاده طلاق دختران کم سن و سال رانشی از فقر میدانند!.

حاشیه - نظر جامعه شناسان نسبت به جوامع غیراسلامی وارد است نه جوامع اسلامی، در اسلام، فقر فخر است. توصیه های توجه به فقر بسیار زیاد تر از رفاه و ثروتمندی است. تصریحات قرآن خاصه مجازاتهای سخت و آتش دوزخی که برای ثروت اندوزی و علاقه به زندگی پیاده کرده، مجال قبول رابطه ازدواج های کم سن دختران را با فقر در جوامع اسلامی نمیدهد (پایان حاشیه)

بر اساس آمارهای دولت افغانستان، ۱۵ درصد دختران افغانی زیر سن ۱۵ سالگی ازدواج میکنند و این در حالی است که دولت افغان عهدنامه ۱۹۵۶ را امضا کرده است.

توضیح اینکه، قرارداد ۱۹۱۰ بتصویب دولت ایران رسید ولی قرارداد ۱۹۵۶ در تاریخ سوم اسفند ۱۳۳۷ بتصویب مجلس و دولت شاهنشاهی ایران رسید و متعاقب آن طرح قانون حمایت خانواده باهمت و تلاش خارق العاده والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی تهیه و پس از اصلاحاتی بتصویب مجلس رسید که سن ازدواج دختر ۱۸ و پسر ۲۰ سال تمام مقرر شد که متأسفانه این قانون در سال ۱۳۶۰ بوسیله شورشیان مذهبی نسخ و سن قانونی ازدواج دختر مجدداً به ۹ سال برگشت و پس از اعتراضاتی که بمناسبت امضای عهدنامه ۱۹۵۶ مطرح شد، ماده ۱۰ قانون ازدواج جمهوری اسلامی با این تغییر مواجه شد که «ازدواج دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سالگی و پسر ۱۵ سالگی منوط به اذن ولی و شرط مصلحت دادگاه است» یعنی تنها تغییری که داده شد ورود مصلحت داده گاه به قضیه است.



یعنی درحقیقت یک کلاهی سرمعترضین به قانون سن ۹ سالگی دختر برای ازدواج گذاشتند زیرا هیچ دادگاهی در حکومت های اسلامی نمیتواند برخلاف قرآن و سنت که سن بلوغ راسن شرعی میدانند به درخواست پدر نه بگوید.

اگر در جوامع متمدنی نهی مستمر و قاطع، متوجه ازدواج دختر و پسر کم سن است و حداقل سن دختر ۱۶ و پسر ۱۸ معین شده در فلسفه اسلامی حداقل سن برای ازدواج تعیین نشده است.

در آیات قرآن (سوره انعام) و همچنین سنت محمد و یا امامان شیعه شرط سن دیده نمیشود و بجای سن از واژه بلوغ دختر و پسر استفاده شده است، بلوغ در اصطلاح شرع به معنای پایان یافتن ایام و دوران کودکی است (ماده ۴۹ قانون مجازات اطفال جمهوری اسلامی) منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد بنابراین دختر از ۹ سالگی تمام دیگر کودک نیست!

از علی امام شیعیان روایت است که «تکلیف از سه گروه برداشته شده است اول از کودک تازمانی که محتلم نشده و دوم از دیوانه تازمانی که عاقل نشده است و سوم کسیکه خواب است تازمانی که بیدار نشده است»

«حد بلوغ شرعی وقتی است که احتلام در کودک اتفاق می افتد و دیگری نیازی به بیان شارع نیست چرا که بلوغ از امور طبیعی است» (فقهای سنی و شیعه = اجماع آنها).

واز آنجاکه احتلام در دختران بطور طبیعی در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی روی میدهد از این جهت است که سن ۹ سالگی و ۱۵ سالگی به عنوان سن بلوغ شرعی وارد گردیده است.

غرض از آنچه عرض شد

آنچه درباره بلوغ شرعی (۹ سالگی) دختر عرض شد برای ملاحظه مطلوب، به توجهات زیر است

سن بلوغ شرعی یعنی ۹ سالگی برای ازدواج دختری آنکه بسیار مضمّن کننده است و تصور نزدیکی یک مرد بایک دختر بچه ۹ ساله غیر قابل تحمل است معذراً در مقابل آثاری که شرع بر دختر بچه بمناسبت بلوغ شرعی تحمیل کرده چندان غیر قابل تحمل نیست و میتواند حلوا در مقابل حنظل تلقی گردد.

درازدواج دختر ۹ ساله بامرد، چه بسا که به دختر آزاری نرسد و وصف العیش نصف العیش باشد، و شرع هم پیش بینی کرده است که اگر در اثر نزدیکی، دختر آسیبی به بینه جبران زیان بامرد است، و این امر گواه لزوم رعایت و احتیاط است، ولی بسیاری نمی‌دانند که آثار حقوق شرعی متوجه بر دختر ۹ ساله چیست؟ چنانکه در همه اعتراضات به سن پانین دختر، مسئله نزدیکی و شوهرداری او مطرح است نه تکالیف و تعهدات شرعی دختر ۹ ساله، و چنانکه ناظریم فاجعه ازدواج دختران کم سن در کشورهای اسلامی حتی یهودیان کماکان جریان دارد و گهگاهی در جراند منتشر می‌شود و بعد هم بزودی سرنوشت شوم این عروسان کوچولو به فراموشی جامعه که عادت است سپرده می‌گردد.

عرض شد که دختر مادام که به سن بلوغ شرعی ۹ سالگی و پسر به ۱۵ سالگی بلوغ شرعی نرسیده کودک هستند و از شروع سن ۱۰ سالگی دختر اعم از اینکه شوهر کند یا نکند یک فرد کامل و مورد تکلف شرعی است. مراجع تقلید همگی دختران ۹ ساله را متکلف از تکالیف شرعی یعنی واجب شدن همه تکالیف شرعی میدانند که آنها عبارتند از خمینی - خونی - گلپایگانی - مرعشی - اراکی - نجفی صدر - خامنه ای - فاضل لنگرانی - وحید - شبستری - زنجانی - مکارم و سیستانی.^۱

واز علمای بزرگ. مشهور اسلامی میتوان از فیض کاشانی، صاحب جواهر و دیگران نام برد که تکالیف شرعی را بر دختران ۹ سال تمام واجب میدانند و در این حکم بین علمای اهل سنت و تشیع افتراقی نیست.

تکالیف و حقوق دختر ۹ ساله

- ۱- گناه و ثواب دختر ۹ ساله مانند یک شخص کامل ثبت میشود و در مقابل گناه کیفر خواهد دید.
- ۲- دختر از ۹ سالگی میتواند در اموال خود دخل و تصرف کند، امام حسن عسگری سن ۷ سالگی را برای تصرف دختران در دارائی خودشان جایز گرفته است.
- ۳- دختر اگر قبل از ۹ سالگی به دستور ولی خود ازدواج کند وقتی به سن بلوغ رسید میتواند ازدواج را نپذیرد و یا بپذیرد.
- ۴- دختر ۹ ساله نمیتواند ادعای فریب را در امر ازدواج نماید.
- ۵- دختر ۹ ساله موظف به روزه گرفتن - نماز خواندن - رفتن به حج - پرداخت زکات است (در تشیع خمس)، امام صادق = نماز میت هم بر دختر ۹ ساله واجب است - حجاب هم واجب است.

مجازات های شرعی دختر ۹ ساله

حدود نوعی از مجازاتهای اسلامی است که حد (کیفیت و میزان آن) در قرآن مقرر شده است، لذا کسر کردن و بیازیاد کردن آن از حیثه اقتدار دادگاه و مجریان احکام اسلامی خارج است.

^۱ - طبق روایت راستین و معتبر در کتاب های اهل سنت، ازدواج پیامبر با عایشه در شش سالگی بوده است. در صحیح بخاری حدیث ۳۸۹۴ آمده است که «پیامبر با عایشه ازدواج کرد در حالی که ۶ سال داشت، ولی هنگام دخول عایشه ۹ ساله بود»، برای اینکه ابوبکر فضیلت و برکت ازدواج دخترش با پیامبر را از دست ندهد، او را به ازدواج پیامبر در ۶ سالگی در آورد. ابن قدامه از علما و بزرگان اهل سنت، می گوید: پدر می تواند دختر بکر کوچکش که به ۹ سالگی نرسیده است، او را به ازدواج کسی که مناسب و هم کف او باشد در آورد و در این مسئله خلاقی نیست. صحیح مسلم و بخاری از عایشه نقل می کنند: «پیامبر با من ازدواج کرد، در حالی که ۶ ساله بودم، و به خانه خودش برد، زمانی که ۹ ساله بودم» معلوم هست که در آن حالت او (عایشه) کسی نبود که اجازه اش برای ازدواج قابل اعتبار باشد.

2376 مسالی شماره ۲۳۷۶ در رساله خمینی آمده است: «دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد اگر بخواد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد، و اجازه مادر و برادر لازم نیست».

«حرام نیست که یک فرد بالغ یک دختری را که هنوز در سنی است که تازه او را از شیر گرفته اند از او لذت ببرد و آلت خود را بین پاهای وی قرار داده و یا آن که او را ببوسد» آیت الله خمینی، تحریر الوسیله، ص ۲۴۱، موضوع شماره ۱۲، ۶ - ح-ک

دختر ۹ ساله همانطور که مکلف به رعایت واجبات اسلام است منهیات اسلامی را هم لازم الرعایه است، و هیچگونه تفاوتی بین یک دختر بچه ۹ ساله بایک مرد ویا زن مسن وجوان وجود ندارد، لذا دختر بچه های ۹ ساله مشمول مجازات های حدودی خواهند بود.

امام رضا گفته است: حزمان حدود، آن موقع است که نمازبرکسی واجب میگردد< از امام عسگری روایت است که کودک پس از بلوغ = ۹ سالگی میتواند حد جاری سازد، همچنین روایت است که حدود به سود ویا زیان دختر از ۹ سالگی اجرا میشود.

نتیجه اینک

اگر دختر بچه ای سرقتی کرد قطع دست او واجب است درست با همان حقوقی که یک زن ویا مرد کامل در اجرای حد سرقت دارد از باب مثل اگر مال سرقت شده بیش از ۴ دینار باشد دستش قطع میشود.

اگر دختر بچه ای (مساحقه) همجنس بازی با دختر بچه دیگری کرد ۱۰۰ ضربه شلاق حد آن دختر بچه است.

اگر دختر بچه ای علیه حکومت اقدام کرد در تظاهرات ضد دولتی شرکت کرد ویا علنا مخالفت کرد حد محاربه بر او جاری میشود.

اگر دختر بچه مرتکب یکی از گناهان کبیره شد مجازات تعزیر بر او لازم میشود یعنی مجازاتی که کمتر از مجازات حد است و کیفیت آنرا قاضی تعیین میکند.

گناهان کبیره در فقه اسلامی دقیقاً احصا شده است، عبدالحسین دستغیب در دوجلد کتاب گناهان کبیره به تعداد ۴۰ از آنها یاد کرده که چند مورد از آن عبارتند از:

نجس نمودن مساجد ویا بی احترامی به قران (سابقه اجرایی در عربستان وگردن زدن یک ایرانی) - ناامیدی از رحمت خدا (این مورد از مواردی است که علاوه بر کبیر بودن گناه، مسلمان را هم به کافر تبدیل میکند)- دروغ گفتن - خوردن گوشتی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده - رفتن و مهاجرت به مکان هائی که در آنجا انجام وظائف دینی ممکن نیست

.....

ضرب مقاسه با شماست

ملاحظه میکنید که قطع دست یک دختر بچه که بهر علتی دست به سرقت زده بمراتب فجیع تر از ازدواج بایک مرد است؟ حالت رامجسم کنید ضمن ملاحظه شفقت ورحم!! در اسلام را با وجدانی بدور از بیماری اسلامی قضاوت کنید.



ملاحظه دارید که شلاق زدن به یک دختر بچه آنهم به تصریح آیه قران که شلاق ها باید کاری باشد که پوست را از گوشت جدا کند چقدر وحشیانه است که قبح و رذالت ازدواج دختر بچه ۹ ساله فراموش شدنی است.

ملاحظه دارید که مساحقه (همجنس بازی) بین دختر بچه ها همان مجازات یک صد ضربه شلاق است که زن و مرد دارد میتوانند مجسم کنید که ۱۰۰ ضربه شلاق به بدن یک دختر بچه یعنی چه؟

ملاحظه دارید و میتوانید صحنه ای رامجسم کنید که یک دختر بچه ۹ ساله را به اتهام فحشا ویا زنا تا کمر زیر خاک کرده اند و عده ای مرد وزن مسلمان در انجام وظیفه شرعی خودشان که پرتاب سنگهای میزان شده است بسوی آن بچه مشارکت دارند.

واقعا که اسلام دین رحم و شفقت است!!

یک دختر بچه که اصلا درک دروغ و راست را ندارد اگر دروغ گفت، بر او زندان لازم می‌گردد و اگر به دنبال پدر و مادرش به مکان ویاکشوری رفت که مشکل عبادت و فرائض اسلامی را داشت مجرم است و اگر گوشت ذبحی را خورد که بر آن اسم الله خوانده نشده مجرم و مستوجب مجازات است.

گفته اند <عقل که نیست جان در عذاب است> آخر کدام عقل و انصافی است که از یک دختر بچه چنان انتظاراتی را داشته و کدام وجدان و شعور است که بر این احکام صحنه بگذارد؟

ممکن است بفرمائید که تاکنون در جوامع اسلامی خبری منتشر نشده است که دست فلان دختر بچه بمناسبت حد سرقت قطع شده و یا فلان دختر بچه به ۱۰۰ ضربه شلاق مجازات شده است.

پاسخ این است که غرض معرفی و آشنایی با اسلام است و وقتی نص و حکم الهی وجود دارد اجرای آن تحت الشعاع است ممکن است احکام به دلایلی موقتا اجرا نگردد ولی عدم اجرا ماهیت حکم را متغیر نمیشود، مانند سنگسار سکینه آشتیانی. وانگهی مگر همه فجایعی که در جوامع اسلامی به اعتبار احکام اسلامی روی میدهد بصورت خبر منتشر می‌گردد؟

سخن درست و وحشتناک این است که کوتاهی در اجرای احکام اسلامی نسبت به دختر بچه ها و نیز مردم بطور کلی به این علت است که هنوز اسلام بر انسانیت غلبه نکرده است هنوز دقیقا در جای پای محمد حرکت نکرده است هنوز اسلام در حاشیه است، قدرتمندی اسلام در مسیر حکومت مادی بر جوامع، بلایی را بر مردم جهان مستولی خواهد ساخت که ازدواج دختر بچه ها نقل است در مقابل تحمیلات شرعی بردختر بچه ها.

حقوق بشر و ازدواج بچه ها

این تحریر ناقص است اگر اشاره ای به اعلامیه حقوق بشر در رابطه با ازدواج بچه ها نداشته باشد چراکه در مقدمه این تحریر از اعلامیه جهانی حقوق بشر هم یاد شده است.

گروه بسیاری به غلط تصور کرده و میکنند که اعلامیه جهانی حقوق بشر مشکل گشا و سدی است در جهت حرکت اسلام خاصه همین مورد تعرض به دختر بچه ها که اسلام بسختی حامی آن است.

اشتباه آنان متوجه ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است؛ زیرا ماده مزبور در کنار حقانیت و احترام به ادیان و مذاهب آزادی و احترام به اجرای مناسک و عبادات را چه بطور خصوصی و یا علنی و فردی و یا جمعی از حقوق انسانها دانسته است. در تطبیق مورد، ازدواج با دختر ۹ ساله و همچنین اجرای حدود و مجازات ها برای چنان دخترانی از حقوق و مناسک مسلمانان است که اجرای آن در حمایت اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارد.

زمانی بود و گفت ای مرد هشیار چه میدانی کنون تدبیر این کار



استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر، که امروز مشخص شده است خود به تنهایی دارای ایراد های فاحش و مراتب نقص در آن فراوان است، تنها میتواند در گمراه کردن مردم موثر باشد.

